

«همه» اینگونه نیستند

جامعه‌نیازمند تقویت
«گفتمان فضیلت» است



حامد خانجانی

دانش آموخته فلسفه اخلاق

در جامعه‌ای که احساس محرومیت و بی‌عدالتی گسترده شده است، شاهد شکل‌گیری چرخه معیوب و خطرناکی در رفتارهای فردی و اجتماعی هستیم. فردی که حق خود را پایمال شده می‌بیند، برای پیشبرد امور خود به اقداماتی مانند دورزدن قانون یا پرداخت و دریافت رشوه روی می‌آورد، سپس برای آرام کردن وجدان خود و کاهش تنش شناختی ناشی از این عمل نادرست، به یک توجیه متوسل می‌شود: «همه همین کار را می‌کنند». این پدیده اجتماعی که در گسترش زمینه‌های فساد رخ می‌دهد، خود نیز موجب تشدید فساد می‌شود. درست است که ساختارهای معیوب اجتماعی، بخت اخلاقی افراد را در انجام عمل درست کاهش می‌دهند، اما این به‌مفهوم نفی «مسئولیت فردی» نیست. گزاره «همه همین گونه‌اند» در حقیقت پرتگاهی است که فرد و جامعه را به‌سوی انحلال ارزش‌ها و نابودی کامل اعتماد سوق می‌دهد. هسته مرکزی این معضل، جایگزینی «مسئولیت فردی» با «ابهام جمعی» است. اندیشمندان -از ارسطو تا کانت و پس از آن -بر محوریت «اختیار» و «آگاهی» در کنش اخلاقی تأکید دارند. ما به‌دلیل دارا بودن قوه تعقل و انتخاب، موجوداتی اخلاقی هستیم و در قبال اعمال خود مسئولیم. هنگامی که فرد عمل نادرست خود را در پشت امار (واقعی یا خیالی) «همه» پنهان می‌کند، در حقیقت از این بار سنگین اما شرافتمندانه، فرار می‌کند. او خود را نه به‌عنوان فاعلی مستقل که باید در محکمه وجدان خویش پاسخگو باشد، بلکه به‌عنوان جزئی منفعل از جریان عمومی می‌بیند که گویی اختیاری از خود ندارد. این نگرش، «من» اخلاقی را در «ما» بی‌نامشخص محو می‌کند و شرایط هرگونه ستایش یا سرزنش اخلاقی معنادار را از بین می‌برد. اینجاست که معیار از «آنچه باید باشد» به «آنچه هست» تقلیل می‌یابد و واقعیتی موجود، هر چند نادرست، به‌هنگار مبدل می‌شود. درست است که شرایط جوامع ممکن است به‌دلیل مشکلات سیاسی و اقتصادی به‌سمت غلبه بی‌اخلاقی سوق پیدا کند، اما تعمیم آن به کل جامعه عقلانی نیست. عمومی انگاشتن بی‌اخلاقی و توجیه رفتار نادرست خود بر آن اساس علاوه بر اینکه از نظر استدلالی سست است، نوعی «فساد معرفتی» است. فرد ناخودآگاه تمام شواهدی را که ناقض این باور کلی است، نادیده می‌گیرد تا بتواند باور راحت‌بخش خود را حفظ کند. پیامد این نگرش در سطح کلان، ویرانی بنیان اعتماد اجتماعی است. وقتی گزاره «همه همین گونه‌اند» به یک باور عمومی تبدیل شود، روابط دیگر نه بر مبنای همکاری، بلکه بر اساس سوختن و محاسبه سود شخصی ایجاد می‌شود. نتیجه، شکل‌گیری یک «پیشگویی خودکامیختش» شوم است: من چون به دیگران اعتماد ندارم، با آنها بر مبنای فساد رفتار می‌کنم و دیگران نیز در پاسخ، همین رفتار را برمی‌گزینند. در نهایت جامعه‌ای واقعاً آکنده از بی‌اعتمادی خواهیم ساخت. در چنین فضایی، عمل اخلاقی نه یک ارزش، که یک حماقت تلقی می‌شود و فرد در ستکار، تحت فشار طاق‌ت‌فروسی «هم‌رنگ جماعت شدن» قرار می‌گیرد. راه برون‌رفت از این دور باطل، اگر چه دشوار اما ممکن است و ریشه در همان مفاهیمی دارد که مشکل را توضیح می‌دهد. اولین و مهم‌ترین گام، «بازپس‌گیری مسئولیت فردی» است. هر شخص باید آگاهانه حکم تعمیم «همه» را به چالش بکشد و بپذیرد که او، به‌عنوان یک فاعل مختار و اخلاقی، در قبال انتخاب‌هایش پاسخگو است. این به‌معنای تغییر پرسش بنیادین از «آنها چه می‌کنند؟» به «من، در این موقعیت، چه باید بکنم؟» است. اینجاست که وجدان اخلاقی به‌جای انفعال، به کنشی آگاهانه تبدیل می‌شود. باور اینکه افرادی هستند که آنها نیز به مجموعه‌ای از هنجارهای اخلاقی پایبندند و می‌توان روی تعهدات آنها حساب کرد، موجب تقویت این رویکرد اجتماعی است. نهایتاً جامعه نیازمند تقویت «گفتمان فضیلت» است. باید به‌عمد به‌دنبال الگوهای مثبت گشت، درست‌کاری را گرامی داشت و شجاعت اخلاقی افرادی که در برابر جریان می‌ایستند را ستود. رسانه‌ها و اشخاص ذی‌نفوذ در این میان بیشترین نقش را دارند. ایجاد حلقه‌های کوچک اعتماد در خانواده، دوستان و محیط کار، که در آنها ارزش‌های اخلاقی بحث‌و تبادل نظر می‌شود، می‌تواند پناهگاه‌هایی در برابر روناف‌های دشمن‌زدی ایجاد کند. اخلاق، گاهی انتخابی انقلابی بر ضد جریان مسلط است. ساختن جامعه‌ای سالم، نه با انتظار برای تغییر ناگهانی «همه»، که با پذیرش مسئولیت سنگین و عزتمند انتخاب درست توسط «تکتک افراد» آغاز می‌شود. پایه‌های اعتماد، با هر عمل درست فردی، هر چند کوچک، محکم‌تر می‌شود و این چرخه‌ای فضیلت‌محور را در مقابل چرخه معیوب پیشین ایجاد می‌کند. تو مگو همه به جنگند و صلح من چه آید/ توییکی نه‌ای هزاری تو چراغ خود برافروز.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



نزاع با اندیشمندان

درباره واکنش خانه اندیشمندان علوم انسانی به سخنان شهردار تهران و رویارویی بی‌پایان او با این نهاد

گروه فرهنگ: پاسخ‌های علیرضا زاکانی، شهردار تهران به انتقادهای دانشجویی که در روز ۱۶ آذرماه، برخورد او با خانه اندیشمندان علوم انسانی را نشانه‌ای از اعتقاد نداشتن او به آزادی اندیشه دانسته بود، منجر به پاسخ بلندبالای این نهاد شد تا بار دیگر موضوع برخورد شهرداری تهران با این مجموعه خیرساز شود. زاکانی در آن نشست بنا به سیاقی که البته اغلب جز آن‌هم نمی‌توان از او انتظار داشت، گفته بود: «این‌ها که می‌گویند شعار است؛ قصه نگو، بگیر بشین» ولی، اینکه باید دید در برابر نکات مهمی که در بیانیه آخر خانه اندیشمندان آمده است، چه جوابی در چنته دارد؟

▼ بدقولی‌های زاکانی

خانه اندیشمندان علوم انسانی در یک‌دهه اخیر همانی بود که زاله آموزگار استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی، وقتی دو سال پیش زمزمه‌های عزم جزم شهرداری تهران و علیرضا زاکانی برای تعطیلی آن به گوش می‌رسید، این نهاد فرهنگی را بدان تشبیه کرد: پایگاهی برای حضور و سخنرانی صاحب‌نظران و یادکرد خدمات خدمتگزاران فرهنگ. همو در پایان پیام کوتاه خود زنه‌ار داده بود: «آیا خرمدندانتر نیست که به‌جای بریدن درختان بارور، در آبیاری آن‌ها بکوشیم و اگر نیازی به ایجاد مرکز فرهنگی دیگری هست، نهال جدیدی بکاریم؟»

واکنش شهردار تهران به این سخن و صدها سخن ناموران دیگر عرصه فرهنگ، البته از این گوش شنیدن و از آن گوش در کردن بوده است. آنقدر سماجت ورزید و از این دادگاه به آن دادگاه رفت تا بتواند بهانه‌ای برای اخراج عوامل این موسسه از مکان ساختمان خیابان ورشو بیابد و ظفرمندانۀ قدرت خود را به رخ متفکران قوم بکشد. با آنچه البته از او پیش‌تر نیز دیده و شنیده بودیم، بیش از این انتظار نمی‌رفت. او زمانی در مناظره‌های انتخاباتی خطاب به پژوهشگران و وقتی مورد این پرسش قرار گرفته بود که «تا آخر می‌مانی؟»، برای اینکه دیگران را گمراه کند که کاندیدای پوششی نیست، گفته بود: «تا آخر می‌مانم و نمی‌گذارم رئیس جمهور شوی». بدان حرف‌اش که عمل نکرد. بعدتر در ماجرای بازپس‌گیری ساختمان ورشو نیز بار دیگر بدقولی خود را علنی ساخت؛ وقتی اردیبهشت‌ماه امسال، مسعود پژوهشگران پس از درخواست ۴۴ انجمن علمی و استمداد خانه اندیشمندان، هم با او تلفنی صحبت کرد و هم خطاب به او نوشت: «جناب آقای زاکانی، برای استفاده عزیزان نخبه از آن مجموعه، دستور فرمایید مشکل را حل نمایند. آن‌ها می‌توانند تأثیر بسیار مهمی در جامعه داشته باشند». این بار نیز زاکانی نخست گفت، نسبت به اجرای احکام پیگیری نخواهد کرد و خانه اندیشمندان می‌تواند به کار خود ادامه دهد، اما فقط دو هفته پس از آن، در روزهای پایانی همان ماه، با پیگیری شهرداری تهران، اجرائیه رسمی دادگاه مبنی بر تخلیه ساختمان و تحویل آن به شهرداری، به خانه اندیشمندان ابلاغ شد و پس از تخلیه ساختمان، آه از نهاد بسیاری برآمد: آن‌گاه که فیلمی کوتاه نشان می‌داد، مردی تشنه به‌دست در حال تخریب تابلوی این موسسه است.

▼ عادت انحصارطلبی و گریز از رقابت سالم

زاکانی در ۱۶ آذرماه البته از این نیز گفته بود که نمی‌توان اندیشمندان را به گروهی خاص تقلیل داد و باید این نهاد برای دیگر صاحب‌نظران نیز جایی باز کند. گویی در ذهن زاکانی، عمده مدیران و مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های خانه اندیشمندان به جناح سیاسی خاصی یعنی اصلاح‌طلبان و تحول‌خواهان تعلق دارند، بنابراین این تعلق‌ها مانع از حضور و دعوت از همفکران اندیشمند زاکانی در برنامه‌های این مجموعه شده است. این البته نباید چندان محل تعجب باشد زیرا برای زاکانی و دوستانش مدت‌هاست راندن در جاده‌های اختصاصی و بردن در رقابت‌های بدون رقیب به امری عادی بدل شده است. اینجا هم او چنان سخن می‌گوید که گویی کسی مانع مشارکت افراد در نهادهای علمی شده است. از نظر زاکانی احتمالاً شکل مناسب مدیریت چنین مجموعه‌ای چیزی است شبیه برگزاری انتخابات دو مجلس اخیر که در آن نمایندگانی با آرای اندک، خود را نماینده مردم تلقی می‌کنند. همین امر از قضا در پاسخ خانه اندیشمندان نیز انعکاس یافته است: «بر خلاف ادعای شهردار تهران، خانه اندیشمندان علوم انسانی در طول سال‌های فعالیت خود همواره محلی برای گفت‌وگو و تضارب آرای جریان‌های مختلف

فکری و فرهنگی مختلف کشور و چتر فراگیری برای اصحاب علم و فرهنگ بوده است و ظرفیت‌های موجود در ساختمان ورشو را به‌صورت عادلانه و با روی گشاده در اختیار بیش از ۲۷۰ انجمن علمی، موسسه فرهنگی و نهاد مدنی قرار داده بود. بنابراین ادعای شهردار تهران مبنی بر اینکه با تعطیلی خانه اندیشمندان درصدد بوده که زمینه استفاده همه گروه‌ها و مجموعه‌های علمی و فرهنگی از ظرفیت موجود در ساختمان ورشو را فراهم سازد، نادرست و عوام‌فریبانه است. نگاهی گذرا به فهرست فعالیت‌های خانه اندیشمندان نشان می‌دهد که این موسسه از تمام طیف‌های فکری و فرهنگی موجود در جامعه برای پرپار کردن جلسات و نشست‌ها بهره گرفته است.»

▼ بستن راه‌های تعامل

بیانیه خانه اندیشمندان اما حاوی نکات مهم دیگری نیز هست. از جمله نشان می‌دهد زاکانی تقریباً تمام راه‌های مصالحه و تعامل را بسته است و فقط به توصیه پژوهشگران وقتی نهناده، بلکه حتی پیشنهاد هیئت‌امنایی شدن مجموعه را -که به‌طور رسمی از طرف ۱۴ عضو شورای شهر تهران (دوسوم اعضا) مطرح شده، رئیس‌شورا هم با آن موافقت کرده بود و خانه اندیشمندان نیز با آن مخالفتی نداشت- در عمل منتفی کرده است: «شهرداری تهران به‌رغم اعلام موافقت با این پیشنهاد و درحالی‌که روند گفت‌وگو و توافق در مسیر مناسبی قرار گرفته بود، تنها نیم‌ساعت پس از تأکید آقای چمران در صحن علنی شورا برای تسریع بر انجام این توافق، ساختمان ورشو را به تصرف خود درآورد و فضا را برای تعامل، گفت‌وگو و توافق مسدود کرد و خانه اندیشمندان را برای تخلیه کامل ساختمان تحت فشار قرار داد.»

▼ قیاس مع الفارق

یکی دیگر از بخش‌های حاشیه‌ساز زاکانی در مراسم ۱۶ آذرماه، مقایسه وضعیت خانه اندیشمندان علوم انسانی با بانک آینده بود: «مسئله ملک خانه اندیشمندان عین مسئله بانک آینده است. دانشجوی باید قصه بگوید، باید حرف متقن بزند. ارزش ملک خانه اندیشمندان علوم انسانی ۱۵۰۰ میلیارد است و این ملک عمومی است. نمی‌توانیم آن را در اختیار یک عده بگذاریم.» همین شباهت‌سازی نیز موجب واکنش خانه اندیشمندان شده است: «شهردار تهران بای‌شرمی، موضوع خانه اندیشمندان علوم انسانی را مشابه اختلاس در بانک آینده دانسته اما این یک قیاس مع الفارق است؛ چراکه سرسوزنی شباهت بین این دو موضوع وجود ندارد و اساساً اختلاف شهرداری تهران با خانه اندیشمندان، هیچ ارتباطی با موضوعات مالی ندارد. شهردار تهران با طرح این ادعا توهمین بزرگی به اصحاب علم و فرهنگ، پیشکسوتان و فرهیختگان کشور و خدمتگزاران ایشان در خانه اندیشمندان کرده است؛ بزرگان و فراتگانی که عاشقانه و بدون چشمداشت مالی برای اعتلای ایران، ارتقای اندیشه و ارائه خدمات فرهنگی فاخر به شهروندان تهرانی و هموطنان فرهیخته در اقصی نقاط ایران و جهان، در خانه اندیشمندان جمع می‌شدند و تنها انتظارشان این بود که علم، فرهنگ میدان تاخت‌وتاز دعوای جناحی و سیاسی نشود.»

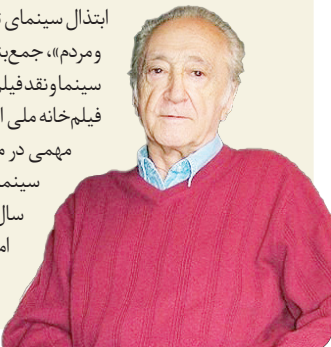
▼ با وجدان آگاه جامعه چه می‌کنید؟

آنچه زاکانی با خانه اندیشمندان علوم انسانی کرد، نه نخستین تجربه از مواجهه قدرتمندان با اهالی فرهنگ و دانشگاه است و نه آخرین آنها خواهد بود، اما به هر روی با این تصمیم‌های او، نه فقط مشکلی حل نخواهد شد، بلکه مشکلی نیز بر مشکلات پیشین اهالی فرهنگ بار خواهد شد ضمن اینکه باید دید همانطور که در بیانیه خانه اندیشمندان آمده است: «شهردار تهران در برابر نهیب وجدان آگاه و بیدار جامعه و پرسش از علت خاموش کردن چراغ یک مجموعه فرهنگی که سرمایه اجتماعی بزرگ و ارزشمندی برای کشور ایجاد کرده بود، چه پاسخی دارد؟» به بیانی دیگر اگر زاکانی توانست از ظرفیتهایی گسترده همچون سازمان فرهنگی هنری شهرداری، و صدها فرهنگسرا، خانه فرهنگ، کتابخانه و... استفاده بهینه‌ای داشته باشد، از خانه اندیشمندان نیز خواهد توانست. همین امر نیز در بیانیه مورد توجه قرار گرفته است: «آیا شهرداری تهران به جای اختصاص این همه وقت و انرژی برای گرفتن ساختمان ورشو بهتر نبود صدها ساختمان بلا استفاده و راکد خود در سطح شهر را برای انجام فعالیت‌های فرهنگی فعال می‌کرد؟»

چهره

پیشگام نقد و سینمای نوین ایران

۱۹ سال پیش در ۲۶ آذرماه، یکی از پیشگامان سینمای نوین و نقد حرفه‌ای فیلم در ایران درگذشت. فرخ غفاری، سینماشناس، مورخ، ناقد، کارگردان، پایه‌گذار کانون فیلم و فیلم‌خانه ملی ایران بود که علاوه بر فعالیت‌های فیلمسازی، نقش مهمی در تاریخ‌نگاری و مدیریت فرهنگی سینما ایفا کرد. او متولد سال ۱۳۰۰ و فارغ‌التحصیل از بلژیک و فرانسه بود که پس از ۱۶ سال به ایران بازگشت و کانون ملی فیلم را در موزه ایران باستان تشکیل داد. غفاری به‌همراه ابراهیم گلستان و فریدون رهنما، سینمای متفاوت و روشنفکری ایران را در دهه ۴۰ شکل داد. فیلم‌های «جنوب شهر» و «شب قوزی» او با نگاهی واقع‌گرایانه و انتقادی به جامعه ایران، رویکردی نوآورانه در سینمای ایران ایجاد کردند. او با تأکید بر سینمای ملی و مردمی، نقدهایی را علیه سطحی‌گرایی و ابتذال سینمای تجاری نوشت و کتاب «سینما و مردم»، جمع‌بندی دیدگاه‌های غفاری درباره سینما و نقد فیلم است. او همچنین بنیان‌گذار فیلم‌خانه ملی ایران و آرشیو فیلم بود و نقش مهمی در مدیریت فرهنگی سازمان‌های سینمایی و تلویزیونی داشت. غفاری سال ۱۳۸۵ در پاریس درگذشت، اما تأثیرش بر سینمای ایران همچنان مشهود است.



کتابخانه

سفر به ذهن شطرنج‌باز

کتاب «روانشناسی شطرنج» اثر فرنان گوپه که به‌تازگی از سوی انتشارات ققنوس منتشر شده، نگاهی عمیق و نوآورانه به دنیای پیچیده ذهن بازیکنان شطرنج ارائه می‌دهد. این متخصص شطرنج، نشان می‌دهد که این بازی فراتر از حرکات مکانیکی روی صفحه است و ترکیبی از استراتژی، شهود و تأثیرات روانی است. فرنان گوپه در «روانشناسی شطرنج» با بررسی نقش حافظه، تشخیص الگو و فرآیندهای شناختی استادان، تفاوت میان تازه‌کاران و حرفه‌ای‌ها را روشن می‌کند و نشان می‌دهد که تخصص در شطرنج نه تنها به توان فکری، بلکه به توانایی تشخیص و مدیریت الگوهای پیچیده وابسته است. این کتاب با مثال‌ها و روایت‌های جذاب، به بررسی نقش احساسات و فشارهای روانی در تصمیم‌گیری می‌پردازد و تأثیر سوگیری‌های شناختی و استرس مسابقه را بر بازیکنان توضیح می‌دهد. گوپه همچنین به تعامل انسان و هوش مصنوعی در شطرنج پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه شهود انسانی با دقت رایانه‌ای ترکیب و بهینه می‌شود. این کتاب برای علاقه‌مندان به شطرنج، روانشناسی و تفکر استراتژیک، خوانشی جذاب و تأمل‌برانگیز فراهم می‌کند. انتشارات ققنوس، «روانشناسی شطرنج» را در ۱۹۲ صفحه و به قیمت ۱۴۰ هزار تومان منتشر کرده است.



روانشناسی شطرنج
نویسنده: فرنان گوپه
مترجم: محمدرضا سلطان‌دوست
انتشارات: ققنوس

تاریخ

روز ملی حمل‌ونقل در ایران



۲۶ آذرماه، روز ملی حمل‌ونقل ایران است. تعیین این روز به این مناسبت در سال ۱۳۷۶، به پیشنهاد وزارت راه و ترابری و برای آگاه‌سازی جامعه با نقش و جایگاه بخش حمل‌ونقل در اقتصاد ایران، از سوی شورای فرهنگ عمومی کشور صورت گرفت. دلیل انتخاب این روز این است که ۲۶ آذرماه ۱۳۶۱، روزی سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران بود؛ زیرا در این روز و در بحبوحه جنگ تحمیلی، حدود ۱۰۰ کشتی حامل کالا در بنادر جنوبی کشور، در انتظار تخلیه بار بود و بروز بحران ناشی از اتمام ذخیره کالاهای اساسی در کشور، تهدید کشتی‌های منتظر از سوی عراق و نیز شمول بیمه‌های جنگی، نگرانی‌هایی را برای مسئولان فراهم آورده بود. در همین روزها، امام خمینی در پیامی تاریخی، کامیون‌داران کشور را به مشارکت در تخلیه هر چه سریع‌تر کشتی‌ها فراخواندند. به دنبال این فرمان مبنی بر تخلیه کشتی‌های منتظر در بندرهای جنوبی کشور، ایران شاهد بسیج عمومی کامیون‌داران شد و صحنه‌های کم‌تلفیری از فداکاری به ثبت رسید.